

# بررسی ویژگیهای کارآفرینانه و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان

پرهام درگاهی : کارشناس ارشد مدیریت آموزشی  
و مسئول مراکز آموزش روستائی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان  
یدالله جوادی : استادیار بخش علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## چکیده:

در راستای بررسی و تبیین ویژگیهای کارآفرینانه و شناسایی عوامل زمینه ای مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۸۵-۸۴، این پژوهش انجام گردیده است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شهید باهنر کرمان بوده است. قریب ۱۴ هزار دانشجو در ۱۴ دانشکده وابسته به این مجموعه مشغول به تحصیل هستند. با توجه به موضوع، روش توصیفی از نوع همبستگی برای تبیین روابط بین متغیرها انتخاب شده است. از هر دانشکده یک نمونه اتفاقی طبقه بندی شده (قضاوتی) به تعداد ۲۰ نفر دختر و ۲۰ نفر پسر انتخاب شد و در نهایت تعداد ۵۶۰ پرسشنامه در سطح ۱۴ دانشکده و بخشهای ذیربط تکمیل و جمع آوری گردید. ابزار گرد آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود که در طراحی آن، پرسشنامه استاندارد شده بین المللی مرکز کارآفرینی دانشگاه "دارهام" که در کشورهای مختلف هند، مالزی، فیلیپین و انگلیس آزمون شده مبنای کار قرار گرفت. تعداد سؤالات پرسشنامه ۵۰ مورد بوده و پاسخ سؤالات در طیف چهار گزینه‌ای موافقم، تا حدی موافقم، تا حدی مخالفم و مخالفم پیش بینی گردید. ضرایب روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۷۳ و ۰/۷۹۴ محاسبه گردید. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و Excel، جداول فراوانی و نمودار میله ای، آزمونهای آماری استقلال کای دو و همبستگی اسپیرمن و تاو b کندانل استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش مبین آن است که ویژگی‌های کارآفرینانه در دانشجویان، متوسط (تاحدودی) بوده است. بین عملکرد تحصیلی با نیاز به موفقیت رابطه معنی داری وجود دارد و سایر متغیرهای مربوط به ویژگیهای کارآفرینانه مستقل از عوامل زمینه ای گزارش شده اند.

بررسی رابطه علی بین متغیرهای پیش گفته، مطالعه در مورد شیوه های آموزش اثربخش برای تقویت خصایص کارآفرینانه در افراد و بالاخره تلاش فرهنگی و الزام به کاربست این شیوه ها و اجرای برنامه های آموزشی فراگیر برای تقویت روحیه کارآفرینانه در فراگیران از سطوح مقدماتی، از جمله پیشنهادات این پژوهش می باشند.

**واژگان کلیدی:** کارآفرینی، کارآفرین، ویژگیهای کارآفرینانه.

## مقدمه :

کارآفرینی عامل اصلی دگرگونی های اجتماعی است. برخی آن را نیروی محرکه توسعه‌ی اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می دانند. به باور محققین، رشد اقتصادی با سطح فعالیتهای کارآفرینانه همبستگی مثبت دارد (احمدپور، ۱۳۸۲). نقش کارآفرینان در توسعه‌ی اقتصادی تنها محدود به افزایش بازده و درآمد سرانه نبوده؛ بلکه پایه گذاری و اعمال تغییرات ساختاری فراگیر در کلیه زمینه های اقتصادی و اجتماعی یک نظام را نیز موجب می شوند. دامنه تأثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است؛ از تغییر در ارزشهای اجتماعی تا رشد شتابان اقتصادی. تولید ثروت، تولید فن آوری، اشتغال مولد، ترغیب و تشویق سرمایه گذاری، گسترش بازارهای جدید، بهره برداری اثربخش از منابع و افزایش رفاه و تحقق آرمان عدالت اجتماعی و امید به زندگی ره آورد مؤثر ترویج فرهنگ کارآفرینی در جوامع بوده است.

با وجود قدمت مطالعات مربوط به کارآفرینی و تبیین اهمیت موضوع، تا حدود دهه ۱۹۶۰ توجه اقتصاددانان بیشتر به بنگاههای بزرگ اقتصادی معطوف بود؛ و از این واقعیت غافل مانده بودند که بیشتر مشاغل تازه به وسیله سازمانها و واحدهای کوچک تجاری به وجود می‌آیند (پارسائیان و اعرابی، ۱۳۷۹). شرکتهای کوچک اصلی ترین تولیدکنندگان مشاغل جدید می‌باشند. بر اساس آمار و اطلاعات موجود، رشد بیکاری در کشورهایی که آمار بالاتری در زمینه افزایش کارآفرینی دارند، به میزان قابل توجهی کمتر است. در دهه ۹۰ میلادی شرکتهای با رشد سریع به میزان قابل توجهی مشاغل جدید ایجاد نموده‌اند. برای نمونه در کشور هلند در سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ میلادی هشت درصد شرکتهای با رشد سریع، افزون بر ۶۰ درصد رشد کار در میان شرکتهای موجود را به خود اختصاص داده‌اند. در کشور آمریکا نیز در سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ میلادی در حدود ۳۵۰ هزار شرکت با رشد سریع، تولید افزون بر دوسوم کل مشاغل جدید را به خود اختصاص داده‌اند (گزارش اتحادیه اروپا، ۲۰۰۳).

در کشور ما قبل از برنامه سوم توسعه، نشان چندانی از کارآفرینی و توجه به این موضوع یافت نمی‌شود؛ حتی در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی نیز به جز موارد نادر سابقه‌ای از مسئله موجود نمی‌باشد. اما در این برنامه به علت وجود بیکاری گسترده به ویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهها و پیش‌بینی تشدید آن در سالهای بعد، موضوع کارآفرینی مورد تأکید قرار گرفته است.

بر اساس بند ۲- الف، راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی مندرج در جلد دوم پیوست شماره دو لایحه برنامه پنج ساله سوم توسعه، کارآفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان از راه تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است. لذا به منظور توسعه و ارتقا سطح کارآفرینی، به ویژه ابعاد آموزش و پرورش دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم آوردن مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور، آئین نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاههای کشور تهیه و برای اجرا به دانشگاهها ابلاغ شده است (آئین نامه طرح کاراد، ۱۳۸۱).

توسعه کارآفرینی در برنامه مورد اشاره در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن و نیز جهاد دانشگاهی مطرح و در حال اجرا می‌باشد.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت اجرایی "طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاههای کشور" را که به اختصار "کاراد" نامیده می‌شود به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار کرده است. این سازمان نیز از اواخر سال ۱۳۷۹ نسبت به سازماندهی آموزش کارآفرینی در دانشگاههای مجری طرح اقدام نموده است (معینی، ۱۳۸۱).

اهداف طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاههای کشور که به منظور ترویج، پژوهش و آموزش و پرورش کارآفرینان صورت می‌گیرد به شرح زیر است:

الف- ترویج روحیه و فرهنگ کارآفرینی و بالا بردن شناخت جامعه‌ی دانشگاهی به ویژه دانشجویان نسبت به کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آنها در رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه؛

ب- ترغیب و جذب جامعه‌ی دانشگاهی به دوره‌های آموزش کارآفرینی؛

پ- گسترش پژوهشهای دامنه‌دار در خصوص کارآفرینان، پروژه‌های کارآفرینی، محیط و فضای کارآفرینان و دیگر زمینه‌های مربوط به آن با توجه به شرایط و ویژگیهای ایران؛

در ماده ۴۸ قانون برنامه چهارم توسعه نیز دولت، به منظور ارتقای پیوستگی میان سطوح آموزشی و توسعه‌ی فناوری، کارآفرینی و تولید ثروت در کشور، موظف به اتخاذ تدابیر لازم در جهت اصلاح نظام آموزشی کشور و آزمون‌های ورودی دانشگاهها و همچنین جلب مشارکت دانشگاهها به منظور ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش‌گیرندگان و ایجاد روحیه‌ی آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان شده است. در ماده ۴۹ همین قانون تصریح شده است که دولت موظف است برای زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری با هدف توسعه کمی و کیفی، از ابتدای برنامه چهارم وظایف مشخصی را در مأموریتها و ساختار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای بخش‌های مختلف کشور به انجام برساند.

در حال حاضر در بیشتر دانشگاه‌های کشور مرکز کارآفرینی راه اندازی شده است؛ با این وجود تقریباً هیچ الگوی مشخص و قطعی شده‌ای برای اداره این مراکز وجود ندارد و هر کدام از این مراکز با شیوه متفاوت نسبت به سایرین اداره می‌شوند (خسروی، ۱۳۸۳). با توجه به چنین ابهامی به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های مربوط به کارآفرینی تا حدی یاری‌گر مسئولین امر در حل و فصل این معضل و انجام سیاست‌گذاری مناسب باشد؛ ضمن اینکه پژوهش حاضر که برای نخستین بار در سطح دانشگاه‌های استان کرمان انجام شده است می‌تواند بسیاری از سؤالات و ابهامات موجود در این زمینه را مرتفع نماید.

## مبانی نظری

در سال‌های اخیر مساله کار آفرینی از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. برخی صاحب نظران موضوع ناکارآمدی نظام آموزشی کشور در تربیت دانشجو و دانش آموخته کارآفرین را مورد تأکید قرار داده و تصریح نموده‌اند که نظام آموزشی ایران مبتنی بر یادگیری نبوده و به جای تربیت دانش آموخته کار آفرین، در عمل افرادی را پرورش می‌دهد که تنها می‌توانند شکاف‌های شغلی بسیار تعریف شده و ساختمانند را پر کنند (ملکی فر، ۱۳۸۰).

دیده‌بان جهانی کارآفرینی در مقاله‌ای در ارتباط با سنجش نظام‌های آموزشی از منظر کارآفرینی آورده است که در نظام آموزشی آمریکا، از هر شش نفر، یک نفر کارآفرین می‌شود؛ در کره جنوبی از هر ۱۲ نفر، یک نفر و در برزیل بر اساس تغییراتی که در نظام آموزشی آن صورت گرفته است پیش بینی می‌شود از هر چهار نفر، یک نفر کارآفرین تحویل جامعه داده شود (حیدری، ۱۳۸۴).

امروزه آموزش کار آفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاه‌های دنیا تبدیل شده است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مختلف نیز با توجه به نیازها و امکانات خود، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی ویژه و متنوعی برای آموزش و تربیت کارآفرینان به اجرا گذاشته‌اند. آنچه در این دوره‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است اهداف آموزشی، مناسب بودن محتوای دوره‌های آموزشی، کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس، ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش کارآفرینی، گسترش پژوهش‌ها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم به منظور راه اندازی فعالیتهای کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش آموختگان، ترکیب اعضای برگزار کننده دوره‌ها و فعالیتهای آموزش کارآفرینی، اثر بخشی دوره‌های کارآفرینی و تطبیق و هماهنگی دوره‌های آموزشی و موارد یاد شده با یکدیگر به منظور تربیت دانشجویان و دانش آموختگان کارآفرین است (حیدری، ۱۳۸۴).

"احمدپور" (۱۳۸۲) در مدل استراتژیک کارآفرینی دانشگاهی تعامل بین سه دسته از عوامل شامل دانشی، مهارتی و کارآفرینی را متضمن موفقیت دانش آموخته پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه می‌داند. تخصص و دانش می‌تواند کلیه رشته‌های دانشگاهی و به ویژه رشته‌های فنی و مهندسی و رشته‌های پزشکی را شامل شود؛ چرا که این رشته‌ها تا مرحله آخر هیچ‌گونه آموزشی در خصوص مهارت‌های بازاریابی و کسب و کار پیش بینی نمی‌نمایند.

مهارت‌های فردی در اولویت نخست شامل مهارت‌های مدیریتی و مفاهیم مدیریت عمومی چون سازماندهی، برنامه ریزی و کنترل می‌باشد. دومین مهارت مورد نظر زبان انگلیسی است که به عنوان زبان علم و گسترده ترین زبان ارتباطی در جهان مطرح و مورد تأکید است. مهارت سوم تکنولوژی اطلاعات و اینترنت می‌باشد. مهارت چهارم بازاریابی است؛ دانش آموختگانی که به دنبال هدایت یک کسب و کار در سطح کشور و در صورت رشد در سطح بین المللی می‌باشند، باید با مفاهیم بازاریابی آشنایی کامل داشته باشند. مهارت پنجم نیز مهارت مالی است؛ دانش آموختگان بایستی بتوانند مفاهیم اولیه هزینه - فایده را درک نموده و فرصتهای پیش رو را مورد ارزیابی قرار دهند.

اما دسته سوم عوامل، توانایی کارآفرینانه<sup>۱</sup> و ویژگی‌هایی همچون خلاقیت، نوآوری و ریسک پذیری می‌باشد. ریسک پذیری در سطح معقول سبب می‌شود فرد بر مبنای درک فرصتها بتواند خطر نموده و نسبت به بهره برداری از آنها اقدام

<sup>۱</sup> - Entrepreneurial ability

نماید. خلاقیت شامل کلیه تراوشات فکری فرد برای خلق یک پدیده جدید و نوآوری کلیه فعالیتها برای به منصف ظهور رساندن خلاقیت و پل بین تفکر و عمل می باشد (همان منبع). به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان، خلاقیت نیز قابل آموزش و یادگیری است ("کوراتکو<sup>۲</sup> و هاجتس"، ۱۹۸۲، نقل از احمدپور، ۱۳۸۱).

با روشن شدن نقش ویژگیهای کارآفرینانه<sup>۳</sup> و اینکه افرادی با ویژگیهای شخصیتی و جمعیت شناختی خاصی به ایجاد کسب و کارهای موفق و مستقل اقدام می نمایند، تلاشهای زیادی در جهت شناسایی وجه تمایز کارآفرینان با غیر کارآفرینان و همچنین دیگر بازی گردانان صحنه اقتصاد صورت گرفت تا با شناسایی این اختلافات نسبت به تقویت روحیات و ویژگیهای کارآفرینانه در افراد غیر کارآفرین، فعالیتهای آموزشی ویژه انجام پذیرد.

اولین تلاش آموزشی در این رابطه توسط "مک کله لند" و با هدف انگیزشی توفیق طلبی در بین بازرگانان هندی صورت گرفت. نتایج وی عموماً از این نظریه حمایت می کرد که آموزش انگیزه توفیق طلبی تأثیر مثبتی بر عملکرد کارآفرینانه دارد. سپس تلاشهایی نیز در جهت پیوند دادن آموزش بازرگانی به آموزش نیاز به توفیق انجام شد. تحقیقات مایرون و مک کله لند (۱۹۷۹) نشان می دهد که تأثیر آموزش نیاز به توفیق در تأسیس یک شرکت نوپا شدیدتر از تأثیر آموزش بازرگانی است؛ هرچند که پیوند دادن این دو به یکدیگر، منافع هر دو آموزش را افزایش می دهد (احمدپور، ۱۳۸۱).

به این ترتیب با محرز شدن تأثیر آموزش در کارآفرینی، تلاش در جهت آموزش و تعمیم دانش و روحیهی کارآفرینی در بین مدیران، تجار، دانشجویان که جملگی کارآفرینان بالقوه محسوب می شوند و همچنین کارآفرینان بالفعل رونق گرفت. هدف اولیه از توسعه این فعالیتهای تربیت نمودن افراد متکی به نفس و آگاه به فرصتها و به طور کلی افرادی بوده است که تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کارهای مستقل دارند. در واقع هدف این بوده تا افراد در طی دوران تحصیل افرادی مؤسس تربیت شوند. این افراد شامل پیشروان در فعالیتهای ماجراجویان، جسوران، مبتکران، فرصت طلبان، جاه طلبان و ارتقاء جویان می باشند. این قبیل دوره ها به دنبال بهبود انگیزش و گرایش های افراد، همچون تمایل به استقلال، فرصت جویی، ابتکار، تمایل به مخاطره پذیری، تعهد به کار، تمایل به حل مشکلات و لذت بردن از عدم قطعیت و ابهام می باشند (احمد پور، ۱۳۸۲).

محققین فهرستهای متعددی از انواع ویژگیهای شخصیتی کارآفرینان ارائه نموده اند که مهمترین آنها عبارتند از نیاز به موفقیت<sup>۴</sup>، علاقه به استقلال<sup>۵</sup>، خطر پذیری<sup>۶</sup>، گرایش به خلاقیت<sup>۷</sup>، برخورداری از مرکز کنترل درونی<sup>۸</sup>، تحمل ابهام<sup>۹</sup> (احمدپور، ۱۳۸۴؛ اختیاری، ۱۳۸۵).

نیاز به موفقیت: نیاز به موفقیت عبارت است از تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت های رقابتی (احمد پور، ۱۳۸۱: ۸۱). یا نیاز فرد به مقبولیت یافتن (هیسریچ و پیترز، ترجمه فیض بخش، ۱۳۸۳). مک کله لند در تحقیقات خود نتیجه گیری می نماید که نیاز به توفیق، انگیزه اصلی توسعهی اقتصادی در کشورها بوده (احمد پور، ۱۳۷۷) و نیاز شدید به توفیق افراد را به سوی درگیر شدن با رفتارهای کارآفرینانه سوق می دهد (هیسریچ و پیترز، ترجمه فیض بخش، ۱۳۸۳: ۹۱). افراد با نیاز به توفیق بالا مایل هستند همواره در چالش باشند و در راه رسیدن به اهداف قابل دسترس و همچنین نسبت به عملکرد خود، به بازخورد مکرر و منظم زمانی نیاز دارند. این افراد ترجیح می دهند تا شخصاً مسئولیت حل مشکلات، تعیین اهداف و دستیابی به آنها را از طریق تلاش شخصی خود به عهده گیرند (احمد پور و عزیز، ۴۸: ۱۳۸۳).

علاقه به استقلال: نیاز به استقلال یکی از قوی ترین نیازهای کارآفرین است (هیسریچ و پیترز، ترجمه فیض بخش، ۱۳۸۳) مک کران و فلانیگان (۱۹۹۶، نقل از احمد پور، ۱۳۸۱) آن را با عباراتی نظیر کنترل داشتن بر سرنوشت خود، کاری

<sup>2</sup> - Kuratko & Hodgetts

<sup>3</sup> - Entrepreneurial traits

<sup>4</sup> Need for achievement

<sup>5</sup> Need for independence

<sup>6</sup> Risk taking propensity

<sup>7</sup> Creativity

<sup>8</sup> Internal locus of control

<sup>9</sup> Ambiguity tolerance

را برای خود انجام دادن و آقای خود بودن تعریف می نمایند. نیاز به استقلال همان چیزی است که روان شناسان آن را سلطه جویی درونی می نامند. سلطه جویی درونی آن است که فرد احساس کند شخصاً بر سرنوشت خویش احاطه دارد (همان منبع). عموماً کارآفرینان افرادی هستند که میخواهند کار را به شیوهی خودشان انجام دهند و کارکردن برای دیگران برایشان دشوار است (هیسریچ و پیترز، ترجمه فیض بخش، ۱۳۸۳). میل به استقلال، نیروی انگیزشی برای کارآفرینان معاصر است لذا آزادی عمل، پاداش دیگر کار آفرینی است (احمد پور، ۱۳۸۴).

خطر پذیری: ریسک پذیری خواه مالی باشد خواه اجتماعی یا روانی، بخشی از فرایند کار آفرینی است (هیسریچ و پیترز، ترجمه فیض بخش، ۱۳۸۳). تمایل به مخاطره پذیری عبارت است از پذیرش مخاطره های معتدل که می توانند از طریق تلاشهای شخصی مهار شوند. هنگام در نظر گرفتن هر گونه مخاطره، دو عنصر در ایجاد این مفهوم نقش دارند، یکی سطح درک فرد کار آفرین از مخاطره در آغاز هر فعالیت پر مخاطره و دیگری امکان احتمالی مشهود شکست در صورت ناموفق بودن آن فعالیت است (بروکهاوس، ۱۹۸۰، نقل از احمد پور، ۱۳۸۱: ۸۴). مخاطره پذیری، عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین از یکدیگر است (میل، ۱۹۴۸، نقل از همان منبع: ۷).

گرایش به خلاقیت: خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده ها به شیوه ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده های مختلف (مقیمی، ۱۳۸۰: ۱۲۹). به عقیده برخی مکاتب فکری خلاقیت قابل آموزش و یادگیری است (کوراتکو و هاجتس، ۱۹۸۲، نقل از احمد پور، ۱۳۸۱). دورویکرد مهم در زمینه توضیح و تبیین خلاقیت عبارتند از رویکرد گلیفورد و رویکرد استرانگ. رویکرد گلیفورد خلاقیت را معادل تولید واگرا می داند ولی استرانگ خلاقیت را محصول هوش، دانش، انگیزش، محیط تشویق کننده، سبک تفکر مناسب و شخصیت به حساب می آورد (ماتلین و جنسیو، ۲۰۰۵، نقل از عابدی، ۱۳۸۴). خلاقیت نیرویی است که در پس نوآوری نهفته است و نوآوری فرایند به کار کردن یک ایده خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوهی مفید می باشد (مقیمی، ۱۳۸۰). شومپیتر (نقل از احمد پور، ۱۳۸۱) ملاک کار آفرینی را نوآوری می داند و کار یک کار آفرین را تخریب خلاق تعریف می نماید. در معادله کار آفرینی فرای (۱۹۹۳)، نقل از همان منبع) خلاقیت به عنوان عامل پیشینه در نظر گرفته شده است. هم نوآوری وهم خلاقیت از اجزاء لاینفک کار آفرینی اند. به عقیده پیتر دراکر، صاحب نظر معروف در زمینه مدیریت، وجود نوآوری در کار آفرینی به قدری ضروری است که می توان ادعا نمود کار آفرینی بدون آن وجود ندارد و خلاقیت نیز بدون نوآوری نتیجه ای را حاصل نمی نماید (احمد پور و عزیزی، ۱۳۸۳: ۵۰).

برخورداری از مرکز کنترل درونی: مکان کنترل، باور فرد در باره منبع کنترل تقویتهایی است که دریافت می کند. مکان کنترل درونی نشان دهنده این باور است که تقویت های او حاصل رفتار و نگرشهای خود اوست، در حالی که مکان کنترل بیرونی مشخص کننده این باور است که تقویتهای در دست مردمان دیگر، سرنوشت و شانس است و شخص در برابر این نیروهای بیرونی ناتوان و بیچاره است (شولتز، ترجمه کریمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۵۲). راتر (نقل از عابدی، ۱۳۸۴) معتقد است که نیاز به پیشرفت با اعتقاد به منبع کنترل درونی رابطه دارد. مطالعات بورلند (نقل از همان منبع) نیز حاکی از آن است که تفاوت معنی داری در منبع کنترل درونی بین دانشجویانی که شروع به احداث یک شرکت کرده اند نسبت به کسانی که این کار را انجام نداده اند وجود دارد. کارآفرینان موفق در قبال موفقیت هایشان مسئولیت شخصی احساس می کنند. آنان موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال ویا نیروهای مشابه نسبت نمی دهند. به عقیده آنها شکست ها و پیشرفتهای تحت کنترل و نفوذ آنها بوده و خود را در نتایج عملکرد هایشان موثر می دانند (هورنادی و آبود، ۱۹۷۱، نقل از احمد پور، ۱۳۸۱).

تحمل ابهام: قدرت تحمل ابهام عبارت است از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانشی ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل بی آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر (احمد پور، ۱۳۸۱: ۸۹). به نظر می رسد کار آفرینان به مراتب بیشتر از مدیران شرکتهای قدرت تحمل ابهام را داشته باشند (فرای، ۱۹۹۳، نقل از همان منبع) در واقع ابهام سبب انگیزش آنها می شود (تراپمن و مورنینگ استار، ۱۹۸۹، نقل از همان منبع). کار آفرینان بدون اینکه احساس تهدید یا ناراحتی نمایند قادرند به طور اثر بخش با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص،

غیر قطعی، سازمان نیافته و غیر شفاف روبرو شوند و ضمن رفع ابهامات، آنها را به نفع خود تغییر دهند (احمد پور و عزیز، ۱۳۸۳).

همانگونه که اشاره شد در اغلب تئوری‌هایی که برای توضیح و تبیین پدیده کارآفرینی ارائه شده است شخصیت افراد، به عنوان عامل بنیادی و مهم در اقدام به شروع یک فعالیت کارآفرینانه مورد تأکید قرار گرفته است. محقق نیز در ارتباط با مراجع مختلف ساماندهی موضوع اشتغال در استان کرمان، این مهم را به کرات تجربه نموده است.

در پژوهش مورد نظر نیز سعی بر آن بوده است تا با بررسی و تبیین ویژگی‌های کارآفرینانه شامل نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطرپذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام در دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه شهید باهنر کرمان، عوامل زمینه ای مرتبط با آنها به شرح دانشکده محل تحصیل، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت (بومی یا غیر بومی استان کرمان)، شغل والدین، مقطع تحصیلی، تعداد نیمسال‌های گذرانده شده، عملکرد تحصیلی (معدل نیمسال‌های گذرانده شده) و سن را تعیین نمود و در نهایت به سوالات پژوهشی ذیل پاسخ گفت:

- ۱- تا چه میزان دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی‌های کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) برخوردارند؟
- ۲- آیا عوامل زمینه ای (دانشکده محل تحصیل، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، شغل والدین، مقطع تحصیلی، نیمسال تحصیلی، عملکرد تحصیلی و سن) با ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان رابطه دارد؟

### تعریف اصطلاحات و مفاهیم

۱- کار آفرینی: فرایند نوآوری و بهره گیری از فرصت ها، با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسک های مالی، روانی و اجتماعی که با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می پذیرد (هیسریچ و پیترز، ۱۹۸۵، ترجمه فیض بخش، ۱۳۸۳).

۲- کارآفرین: فردی است دارای ایده و فکر جدید که از طریق ایجاد یک کسب و کار، نظیر کسب و کار خانگی، کسب و کار اینترنتی، کسب و کار فامیلی و کسب و کار کوچک و متوسط، با بسیج منابع که توأم با مخاطره مالی، اجتماعی، آبرویی و حیثیتی می باشد محصول و خدمت جدید به بازار ارائه می نماید (احمدپور، ۱۳۸۴).

۳- ویژگی‌های کارآفرینانه: در این پژوهش ویژگی‌های کارآفرینانه با متغیرهای نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام تبیین و به وسیله سؤالات مربوط در پرسشنامه، سنجش گردیده است.

۴- عوامل مرتبط (زمینه‌ای): منظور ویژگی‌های جمعیت شناختی شامل دانشکده محل تحصیل، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، شغل والدین، مقطع تحصیلی، نیمسال تحصیلی، عملکرد تحصیلی و سن آزمودنیها می باشد.

### روش بررسی

در این پژوهش که به منظور بررسی و تبیین ویژگی های کارآفرینانه و شناسایی عوامل زمینه ای مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ انجام گردید متغیرهای مربوط به ویژگی‌های کارآفرینانه شامل نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطرپذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام، و نیز متغیرهای زمینه ای شامل دانشکده محل تحصیل، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، شغل والدین، مقطع تحصیلی، نیمسال تحصیلی، عملکرد تحصیلی و سن مورد بررسی قرار گرفته اند.

تحقیق حاضر از نوع توصیفی است که با شیوه‌ی همبستگی، روابط بین متغیرها تبیین می شود. در این تحقیق ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان متغیر پیش بین و ویژگی های کارآفرینانه به عنوان متغیر هدف در نظر گرفته شده است.

## جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ بوده است. قریب ۱۴ هزار نفر دانشجو در ۱۴ دانشکده وابسته به این مجموعه مشغول به تحصیل بودند. دانشکده‌های اصلی این دانشگاه عبارتند از دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده دامپزشکی، دانشکده ریاضی و کامپیوتر، دانشکده علوم، دانشکده فنی، دانشکده کشاورزی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشکده هنر و همچنین دانشکده‌های اقماری شامل دانشکده صنعتی و معدنی زرنده، دانشکده علمی و کاربردی سیرجان، مجتمع آموزش عالی بم، مجتمع آموزش عالی بافت و دانشکده کشاورزی جیرفت. جامعه‌ی اطلاع رسانی تحقیق نیز همان جامعه‌ی آماری می‌باشند.

### روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

با عنایت به کثرت و پراکندگی جامعه‌ی آماری و برای اینکه زیر گروه‌ها یعنی دانشکده‌های مختلف در نمونه نماینده داشته باشند، از هر دانشکده یک نمونه اتفاقی طبقه‌بندی شده (قضاوتی) به تعداد ۲۰ نفر دختر و ۲۰ نفر پسر انتخاب شد. به این ترتیب با مساعدت مرکز محترم کارآفرینی دانشگاه و هماهنگی با بخش‌های مختلف، تعداد ۵۶۰ پرسشنامه به صورت اتفاقی طبقه‌بندی شده (قضاوتی) در سطح ۱۴ دانشکده و بخش‌های ذیربط توزیع و جمع‌آوری گردید. همانگونه که ذکر شد دلیل انتخاب نمونه یکسان، فراهم شدن سهم مناسب و امکان مقایسه گروه‌ها با عنایت به ارجحیت اهداف پژوهش، و علت استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری اتفاقی، محدودیت زمان و طلب اطمینان از همکاری آزمودنی‌ها بوده است. ضمناً پژوهشگر شخصاً کار توزیع پرسشنامه‌ها را انجام داده است.

### ابزار دستیابی به داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. در ابتدای پرسشنامه ویژگی‌های فردی دانشجویان شامل جنسیت، سال تولد، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت (بومی یا غیر بومی استان کرمان)، دانشکده محل تحصیل، عنوان رشته و مقطع تحصیلی، تعداد نیمسال‌های گذرانده شده، میانگین معدل نیمسال‌های گذرانده شده، وضعیت اشتغال، شغل پدر و شغل مادر مورد سوال قرار گرفته است.

با توجه به جدید بودن زمینه پژوهش در کشور، ویژگی‌های شخصیتی افراد کارآفرین با وام‌گیری از منابع خارجی و مذاکره با افراد صاحب نظر به ویژه رئیس محترم مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی امیرکبیر تعیین شد. در طراحی ابزار سنجش ویژگی‌های مزبور، پرسشنامه استاندارد شده بین المللی مرکز کارآفرینی دانشگاه دارهام که در کشورهای مختلف هند، مالزی، فیلیپین و انگلیس (نقل از احمد پور، ۱۳۷۷) آزمون شده مبنای کار قرار گرفت. به رغم میل باطنی به رعایت امانتداری، پژوهشگر ناگزیر از اصلاح و تغییر برخی سؤالات فراخور وضعیت جامعه‌ی پژوهش گردید ضمن اینکه پرسش‌های مربوط به سنجش ویژگی‌های مرکز کنترل و تحمل ابهام نیز برای جامع تر شدن آزمون به آن اضافه شد. تعداد کل سؤالات ۵۰ مورد بوده و پاسخ سؤالات در طیف چهار گزینه‌ای موافقم، تا حدی موافقم، تا حدی مخالفم و مخالفم پیش بینی گردید. روشن است که هدف از طرح طیف چهار گزینه‌ای، حذف گرایش محافظه کارانه (حد وسط) در آزمودنی‌ها بوده است ضمن اینکه برخی سؤالات پرسشنامه نیز عمداً به صورت معکوس طراحی گردیده است. ضرایب روایی و پایایی پرسشنامه نیز به ترتیب ۰/۹۷۳ و ۰/۷۹۴ محاسبه گردید.

### شیوه‌ی تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های مربوط به رایانه داده شد و کلیه محاسبات با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Excel انجام شد.

ابتدا با استفاده از جدول فراوانی و نمودار میله ای، توصیفی از ویژگیهای عمومی دانشجویان شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، دانشکده محل تحصیل، مقطع تحصیلی، تعداد نیمسال های گذرانده شده، معدل نیمسال های گذرانده شده، وضعیت اشتغال، نوع شغل، سن شروع به کار، شغل پدر و شغل مادر ارائه شد. نمره گذاری متغیرهای سن، نیمسال تحصیلی، معدل نیمسالهای گذرانده شده و سن شروع به کار با مقیاس فاصله ای و سایر متغیرهای مربوط به ویژگیهای عمومی دانشجویان با مقیاس اسمی صورت پذیرفته است. توصیف متغیرهای مربوط به ویژگیهای کارآفرینانه شامل نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام با استفاده از مقیاس رتبه ای انجام شده است برای بررسی رابطه بین دانشکده محل تحصیل، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، مقطع تحصیلی و شغل والدین با ویژگیهای کارآفرینانه از آزمون استقلال کای دو استفاده شده است. رابطه بین نیمسال تحصیلی، عملکرد تحصیلی و سن با ویژگیهای کار آفرینانه با استفاده از آزمون های همبستگی اسپیرمن و تاو b کندانال انجام شده است. همچنین رابطه بین دو به دو ویژگیهای کارآفرینانه با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن و تاو b کندانال مورد بررسی قرار گرفت.

### یافته های پژوهش

**سؤال پژوهشی ۱:** تا چه میزان دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) برخوردارند؟  
 میانه امتیاز همه سؤالها (۵۰ سؤال) به عنوان مقدار متغیر «ویژگیهای کارآفرینانه» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، ویژگیهای کارآفرینانه ۱۲۱ نفر (۲۱/۶٪) کم، ۳۹۱ نفر (۶۹/۸٪) تاحدودی و ۴۸ نفر (۸/۶٪) زیاد بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۱)، ویژگیهای کارآفرینانه دانشجویان متوسط (تاحدودی) بوده است.

توزیع فراوانی ویژگیهای کارآفرینانه دانشجویان

ویژگیهای کارآفرینانه	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۱۲۱	۲۱/۶
تاحدودی	۳۹۱	۶۹/۸
زیاد	۴۸	۸/۶
جمع	۵۶۰	۱۰۰

### نیاز به موفقیت

با توجه به اینکه متغیر «نیاز به موفقیت» شامل ۹ سؤال پرسشنامه است، میانه امتیاز این سؤالها به عنوان مقدار متغیر «نیاز به موفقیت» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، نیاز به موفقیت ۸۴ نفر (۱۵٪) کم، ۳۴۵ نفر (۶۱/۶٪) تاحدودی و ۱۳۱ نفر (۲۳/۴٪) زیاد بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۱)، نیاز دانشجویان به موفقیت متوسط (تاحدودی) بوده است.

توزیع فراوانی نیاز دانشجویان به موفقیت

نیاز به موفقیت	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۸۴	۱۵٪
تاحدودی	۳۴۵	۶۱/۶٪
زیاد	۱۳۱	۲۳/۴٪



کم	۸۴	۱۵
تاحدودی	۳۴۵	۶۱/۶
زیاد	۱۳۱	۲۳/۴
جمع	۵۶۰	۱۰۰

### علاقه به استقلال

با توجه به اینکه متغیر «علاقه به استقلال» شامل ۸ سؤال پرسشنامه است، میانه امتیاز این سؤال‌ها به عنوان مقدار متغیر «علاقه به استقلال» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، علاقه به استقلال ۲۴۲ نفر (۴۳/۲٪) کم، ۲۵۵ نفر (۴۵/۵٪) تاحدودی و ۶۳ نفر (۱۱/۳٪) زیاد بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۰/۵)، علاقه دانشجویان به استقلال متوسط (تاحدودی) بوده است.

### توزیع فراوانی علاقه دانشجویان به استقلال

علاقه به استقلال	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۲۴۲	۴۳/۲
تاحدودی	۲۵۵	۴۵/۵
زیاد	۶۳	۱۱/۳
جمع	۵۶۰	۱۰۰

### خطر پذیری

با توجه به اینکه متغیر «خطر پذیری» شامل ۸ سؤال پرسشنامه است، میانه امتیاز این سؤال‌ها به عنوان مقدار متغیر «خطر پذیری» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، خطر پذیری ۹۲ نفر (۱۶/۴٪) کم، ۳۵۲ نفر (۶۲/۹٪) تاحدودی و ۱۱۶ نفر (۲۰/۷٪) زیاد بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۱)، خطر پذیری دانشجویان متوسط (تاحدودی) بوده است.

### توزیع فراوانی خطر پذیری دانشجویان

خطر پذیری	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۹۲	۱۶/۴
تاحدودی	۳۵۲	۶۲/۹
زیاد	۱۱۶	۲۰/۷
جمع	۵۶۰	۱۰۰

### گرایش به خلاقیت

با توجه به اینکه متغیر «گرایش به خلاقیت» شامل ۸ سؤال پرسشنامه است، میانه امتیاز این سؤال‌ها به عنوان مقدار متغیر «گرایش به خلاقیت» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، گرایش به خلاقیت ۹۹ نفر (۱۷/۷٪) کم، ۳۴۶ نفر (۶۱/۸٪) تاحدودی و ۱۱۵ نفر (۲۰/۵٪) زیاد بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۱)، گرایش به خلاقیت دانشجویان متوسط (تاحدودی) بوده است.

#### توزیع فراوانی گرایش دانشجویان به خلاقیت

گرایش به خلاقیت	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۹۹	۱۷/۷
تاحدودی	۳۴۶	۶۱/۸
زیاد	۱۱۵	۲۰/۵
جمع	۵۶۰	۱۰۰

### مرکز کنترل

با توجه به اینکه متغیر «مرکز کنترل» شامل ۸ سؤال پرسشنامه است، میانه امتیاز این سؤال‌ها به عنوان مقدار متغیر «مرکز کنترل» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، مرکز کنترل ۴۰ نفر (۷/۱٪) درونی، ۲۶۳ نفر (۴۷٪) بیرونی و ۲۵۷ نفر (۴۵/۹٪) نه درونی و نه بیرونی بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۱)، مرکز کنترل دانشجویان نه درونی و نه بیرونی بوده است.

#### توزیع فراوانی مرکز کنترل دانشجویان

مرکز کنترل	فراوانی	درصد فراوانی
درونی	۴۰	۷/۱
بینابین	۲۵۷	۴۵/۹
بیرونی	۲۶۳	۴۷
جمع	۵۶۰	۱۰۰

### تحمل ابهام

با توجه به اینکه متغیر «تحمل ابهام» شامل ۹ سؤال پرسشنامه است، میانه امتیاز این سؤال‌ها به عنوان مقدار متغیر «تحمل ابهام» محاسبه شده است. از بین ۵۶۰ دانشجوی مورد بررسی، تحمل ابهام ۴۲۷ نفر (۷۶/۳٪) کم، ۱۱۸ نفر (۲۱/۱٪) تاحدودی و ۱۵ نفر (۲/۷٪) زیاد بوده است. در مجموع با توجه میانه محاسبه شده (۰)، تحمل ابهام دانشجویان کم بوده است.

#### توزیع فراوانی تحمل ابهام دانشجویان

تحمل ابهام	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۴۲۷	۷۶/۳
تاحدودی	۱۱۸	۲۱/۱
زیاد	۱۵	۲/۷
جمع	۵۶۰	۱۰۰

**سؤال پژوهشی ۲:** آیا عوامل زمینه ای (دانشکده محل تحصیل، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، شغل والدین، مقطع تحصیلی، نیمسال تحصیلی، عملکرد تحصیلی و سن) با ویژگیهای کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان رابطه دارد؟

### سؤالات جزئی:

- ۱- آیا دانشکده محل تحصیل دانشجویان با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۲- آیا جنسیت دانشجویان با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۳- آیا وضعیت تأهل دانشجویان با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۴- آیا وضعیت سکونت (بومی / غیر بومی استان کرمان) دانشجویان با ویژگیهای کارآفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۵- آیا شغل والدین دانشجویان (پدر/ مادر) با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۶- آیا مقطع تحصیلی دانشجویان (کاردانی / کارشناسی / کارشناسی ارشد/ دکتری) با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۷- آیا تعداد نیمسالهای گذرانده شده دانشجویان با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت و مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۸- آیا عملکرد تحصیلی دانشجویان (میانگین معدل نیمسالهای گذرانده شده) با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟
- ۹- آیا سن دانشجویان با ویژگیهای کار آفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) رابطه دارد؟

رابطه بین ویژگیهای کار آفرینانه و عوامل زمینه ای

ویژگیهای کارآفرینانه	نیاز به موفقیت	علاقه به استقلال	خطر پذیری	گرایش به خلاقیت	مرکز کنترل	تحمل ابهام
دانشکده محل تحصیل	۰/۶۴۶	۰/۵۹۰	۰/۵۱۸	۰/۳۱۰	۰/۴۸۵	۰/۳۴۲
جنس	۰/۳۵۹	۰/۳۸۲	۰/۲۸۸	۰/۲۸۸	۰/۳۴۰	۰/۵۴۹

وضعیت تاهل	۰/۳۴۷	۰/۲۳۷	۰/۲۹۲	۰/۱۰۳	۰/۹۴۴	۰/۶۰۵
وضعیت سکونت	۰/۸۰۹	۰/۴۳۹	۰/۰۰۸	۰/۴۹۴	۰/۳۷۱	۰/۲۸۰
شغل والدین	پدر	۰/۸۶۸	۰/۲۶۷	۰/۷۶۰	۰/۰۸۸	۰/۴۷۲
	مادر	۰/۴۹۸	۰/۵۰۳	۰/۹۲۳	۰/۳۸۲	۰/۹۸۰
مقطع تحصیلی	۰/۹۸۷	۰/۹۴۳	۰/۹۲۰	۰/۱۸۷	۰/۴۱۸	۰/۳۳۵
نیمسال تحصیلی	اسپیرمن	۰/۵۱۲	۰/۹۲۶	۰/۸۱۹	۰/۰۹۵	۰/۴۴۷
	تاو b کندال	۰/۵۰۱	۰/۹۳۱	۰/۸۶۷	۰/۰۹۲	۰/۴۵۴
عملکرد تحصیلی	اسپیرمن	۰/۰۳۲	۰/۲۷۴	۰/۹۴۳	۰/۳۷۳	۰/۱۳۹
	تاو b کندال	۰/۰۳۱	۰/۲۶۸	۰/۹۲۹	۰/۳۶۸	۰/۱۲۹
سن	اسپیرمن	۰/۶۸۶	۰/۳۸۱	۰/۵۹۷	۰/۵۲۲	۰/۶۱۷
	تاو b کندال	۰/۶۸۶	۰/۳۸۲	۰/۵۹۳	۰/۵۱۲	۰/۶۲۲

### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از این پژوهش، در مورد بررسی ویژگیهای کارآفرینانه و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان مبین آن است که ویژگیهای کارآفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) در دانشجویان، متوسط (تا حدودی) بوده است.

بین عملکرد تحصیلی با نیاز به موفقیت رابطه معنی داری وجود دارد و در مورد ارتباط سایر متغیرهای مربوط به ویژگیهای کارآفرینانه با عوامل زمینه‌ای، اگر چه تقریباً در تمام موارد رابطه ضعیفی در هر یک از دو متغیر گزارش شده است؛ اما این رابطه معنی دار (قابل تعمیم) نمی‌باشد.

همانگونه که ذکر گردید سیستم آموزشی به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر پدیده کارآفرینی شناخته می‌شود. دولت‌ها از طریق نظام آموزشی با دادن آگاهیهای لازم می‌توانند بر فراگیران آن نظام تاثیر داشته باشند و میزان کارآفرینی را در جامعه افزایش دهند؛ اما به نظر می‌رسد که برنامه‌های تحصیلی و آموزشی فعلی در کشور، فرصت و امکان پرورش ویژگیهای کارآفرینانه را در افراد فراهم نکرده است.

تحصیل کارآفرینی به جوانان کمک می‌کند تا یک نگرش کارآفرینانه را درک نموده و پرورش دهند (گرم‌ن و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از وانگ و وانگ، ۲۰۰۴). از سوی دیگر به خاطر تاثیری که تحصیل می‌تواند بر نگرشهای جوانان و اشتیاق آنان داشته باشد یک الزام برای درک شیوهی توسعهی پرورش نیروهای بالقوه کارآفرینان حتی هنگامی که دانش آموز مدرسه هستند وجود دارد.

وانگ و وانگ (۲۰۰۴) خاطر نشان می‌کنند که نگرشها و دانش کارآفرینی در دانشجویان به سمت شکل دهی علاقه آنها برای شروع تجارت خودشان در آینده گرایش دارد. این نوع مطالعات به دانشگاهها و دیگر موسسات آموزشی کمک می‌کند تا برنامه‌های تحصیلی مناسب خود را برای ترقی کارآفرینی گسترش دهند. انتظاری (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان فرایند کارآفرینی مبتنی بر علم معتقد است که شکل گیری ماموریت کارآفرینی در دانشگاهها صرفاً ناشی از تکامل سازمانی دانشگاه نبوده است؛ بلکه عوامل محیطی نقش مهمی در آن بازی می‌کنند. نیروی محرکه اولیه شکل گیری و ظهور ماموریت کارآفرینی در اکثر دانشگاههای کشورهای پیشرفته، ارضاء نیازهای گسترده به ایجاد بنگاههای مبتنی بر دانش برای تحریک اشتغال و رشد بهره وری در سیستم اقتصادی، فقدان سیستم رسمی تامین مالی تحقیقات و فراهم سازی منابع مالی برای دانشگاه بوده است. با توجه به اینکه ماموریت کارآفرینی تنها در دانشگاههای ایالات متحده امریکا و چند دانشگاه اروپایی به طور طبیعی شکل گرفته است و به درستی عمل می‌کند. در سایر دانشگاههای دنیا به ویژه در دانشگاههای کشورهای در حال توسعه و علی‌الخصوص ایران، ماموریت کارآفرینی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و لزوم دخالت اثر بخش تر دولت را طلب می‌کند.

در خاتمه ی‌شهادت ذیل به عنوان ره آورد این پژوهش قابل تامل و تذکر است:

- یکی از مواردی که در این پژوهش مورد تاکید قرار گرفت وجود رابطه بین عملکرد تحصیلی و نیاز به موفقیت در دانشجویان بود. اگرچه برای اثبات رابطه علی بین این دو متغیر پژوهش جداگانه ای مورد نیاز است؛ اما با توجه به مشخص شدن تاثیرات مثبت آموزش توفیق طلبی بر کارآیی افراد بایستی یک الزام جدی برای استفاده از این شیوه در نظام آموزشی کشور از بدو ورود به دبستان وجود داشته باشد.

- در مورد برخورداری دانشجویان از ویژگیهای کارآفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطر پذیری، گرایش به خلاقیت، مرکز کنترل و تحمل ابهام) با توجه به اینکه در مجموع این ویژگیها در دانشجویان، متوسط (تا حدودی) گزارش شده است نیاز به تقویت این خصایص در فراگیران احساس می شود. در این رابطه با عنایت به آموزش پذیر بودن ویژگیهای پیشگفته بایستی پس از تحقیق در مورد شیوه های آموزشی تاثیر گذار و مبتنی بر یادگیری، الزام سیاسی مستقیمی برای کاربست این شیوه ها و اجرای برنامه های آموزشی فراگیر از سطوح نخست پرورش افراد وجود داشته باشد.

- با توجه به اینکه میزان تحمل ابهام در دانشجویان، کم گزارش شده است بایستی تحقیقات جامعی در مورد این مسئله (که احتمالا می تواند به نوعی متاثر از مسائل فرهنگی یا شیوه های سنتی آموزش و ارزشیابی باشد) صورت پذیرد.

- از آنجا که بین دانشکده محل تحصیل و ویژگیهای کارآفرینانه ارتباط معنی داری وجود ندارد ماهیت رشته و احتمالا برنامه های تحصیلی ویژه گرایشهای مختلف نتوانسته است در تقویت یا تضعیف این خصایص تاثیری داشته باشد. این مهم به ویژه در ارتباط با دانشجویان فنی و مهندسی، و مدیریت و اقتصاد قابل تامل است؛ اگرچه در کشور ما شیوه نامناسب انتخاب رشته توسط داوطلبان که به صورت غیراصولی و در حقیقت متاثر از رویه نابسامان پذیرش دانشجو توسط موسسات آموزش عالی می باشد نیز باعث عدم تفکیک صحیح دانشجویان بر اساس علائق شخصی و هدایت آنان به سمت حوزه های متناسب با توانمندی های فردی آنها می گردد.

- در مجموع با توجه به یافته های این پژوهش، ویژگیهای کارآفرینانه در دانشجویان مستقل از عوامل زمینه ای (دانشکده محل تحصیل، جنسیت، تاهل، وضعیت سکونت، شغل والدین، مقطع تحصیلی، نیمسال تحصیلی، عملکرد تحصیلی و سن) بوده است. در صورتیکه تکرار این پژوهش در دانشگاههای دیگر نیز نتایج مشابهی داشته باشد ضمن تعمیم آن می توان با اطمینان به تدوین و اجرای یک برنامه آموزشی فراگیر در سطح دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مبادرت نمود.

#### منابع و مأخذ:

- احمد پورداریانی، محمود. (۱۳۷۷): **طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کار آفرین در صنعت**، پایان نامه دکتری مدیریت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۳۸۱): **کار آفرینی تعاریف نظریات و الگوها**، تهران: پردیس ۵۷. چاپ چهارم.
- (۱۳۸۲): "کار آفرینی و نقش آن در اقتصاد ملی"، **مجموعه مقالات کار آفرینی و فن آوری های پیشرفته**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۳-۵۳.
- (۱۳۸۲): "آیا کار آفرینی استراتژیهای دانشگاهها را تغییر می دهد؟" **رهیافت**، شماره ۲۹، ص ۱۴-۱.
- و محمد عزیزی. (۱۳۸۳): **کار آفرینی**، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم، چاپ دوم.
- (۱۳۸۴): **کارگاه آموزشی ویژه مدیران دانشگاه شهید باهنر کرمان**.
- ادهمی، ابراهیم. (۱۳۸۲): **مطالعه ویژگیهای کار آفرینی مدیران ارشد صنایع غذایی اصفهان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشکده مدیریت.
- اختیاری، اسفندیار. (۱۳۸۵): **کارگاه آموزشی ویژه اعضاء هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان**.
- انتظاری، یعقوب. (۱۳۸۳): "کارآفرینی مبتنی بر علم"، تهران: **نامه آموزش عالی**، انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ش ۱۰-۶، ص ۱۹-۱.
- حیدری، احمد. (۱۳۸۴): "کار آفرینی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی"، **روزنامه تفاهم**، ص ۴۶-۴۳.

- رابینز، استیفن پی. (۱۳۷۸): **مبانی رفتار سازمانی**، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ ششم.
- شکرکن، حسین و همکاران. (۱۳۸۱): "بررسی رابطه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کار آفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز"، **مجله علوم تربیتی و روانشناسی**، دوره سوم، سال نهم، ش ۳ و ۴، ص: ۱-۲۴.
- شولتز، دوان. (۱۳۸۳): **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران: نشر ارسباران، چاپ چهارم.
- عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۴): **گزارش نهایی طرح ساخت، هنجاریابی و بررسی روایی و پایایی آزمون استعداد شناختی کار آفرینی در دانشگاه اصفهان**، مرکز کار آفرینی دانشگاه اصفهان.
- مسعود نیا، ابراهیم. (۱۳۸۱): "ارزیابی رویکرد شخصیتی- خصیصه‌ای برای سنجش کارآفرینی- مطالعه موردی"، **ماهنامه مدیریت توسعه**، شماره ۱۵، ص ۸۱-۹۶.
- مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۰): **سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی**، تهران: ترمه، چاپ دوم.
- هیسریچ، رابرت دی و مایکل بی پیترز. (۱۳۸۳): **کارآفرینی**، ترجمه علیرضا فیض بخش و حمید رضا تقی یاری، تهران: مؤسسات انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۸۲): **توسعه‌ی کارآفرینی و دانش‌آموختگان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، سال ۹، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۰، ص ۱۶۰-۱۷۷.
- Dobransky-Fasiska, D. (2002): **A Discriminate Analysis of entrepreneurial personality characteristics fir each of three Generational cohorts: The silent Generation, The baby boomers, and Generation X**, Ph.D. Dissertation, University of Pittsburgh.
- Wang, C.K. & Wong, P.K., (2004): Entrepreneurial interest of university students in Singapore. **Technovation**, 24: 163-172.